

## حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس

محمد روشن ۱  
رضا بیراوند ۲  
حسین یاراحمدی ۳

### چکیده

گرچه اخیراً حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی کشورمان مطرح شده است؛ لیکن دارای پیشینه ای بسیار طولانی است. بررسی فلسفه حقوق شهروندی به ماکمک می کند که با مبانی و چگونگی این شاخه از حقوق آشنا شده تا هم شهروندان جامعه بیش از پیش از این موضوع آگاهی یابند و هم مسئولان و کارگزاران حکومتی به ویژه مدیران نیروی انتظامی به لحاظ حساسیت شغلی مرتبط با حقوق شهروندان از قبیل: دستگیری متهم، تفهیم اتهام، توجه به اصل برائت و... با جایگاه این مقوله آشنا شده و در جهت نهادینه شدن و حفظ آن اهتمام ورزند. هدف از این پژوهش تبیین فلسفه حقوق شهروندی در مدیریت پلیسی با تأکید بر منابع اسلامی است که در این مسیر تلاش شده، مبانی نظری و دیدگاه های تاریخی در این زمینه تشریح شود. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است که داده های آن به صورت مطالعات اسنادی و کتابخانه ای یادداشت و تحلیل شده است. بررسی منابع اسلامی، نشان دهنده آن است که فلسفه حقوق شهروندی در مدیریت پلیسی، احقاق حقوق شهروندان، رعایت عدالت، انتظام بخشی به جامعه، برقراری تعادل بین مردم و حکومت و تعالی جامعه اسلامی می باشد.

**کلید واژه ها:** شهروند، حقوق شهروندی، فلسفه، حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق

اجتماعی، پلیس، ضابطان عام، اسلام.

۱) دانشیار دانشگاه شهید بهشتی؛ m-roshan@shu.ac.ir

۲) عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی؛ rzabeyranvand@yahoo.com

۳) عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی؛ rzabeyranvand@yahoo.com

## بیان مسئله

انسان در هر جامعه‌ای که زندگی می‌کند به عنوان شهروند آن جامعه دارای حقوقی است که رعایت آن توسط هموعان و سیستم حکومتی حاکم بر آن جامعه، امری الزامی و انکار ناپذیر است. پرداختن به فلسفه حقوق شهروندی از آن جهت حائز اهمیت است که زوایای مختلف حقوق شهروندی را بررسی نموده تا اینکه ضمن آشنایی شهروندان جامعه با این موضوع، کارگزاران دولت‌ها و مدیران پلیس نیز جایگاه مهم این مقوله را درک نموده، بر رعایت حقوق شهروندان جامعه بیش از پیش همت کنند.

حقوق شهروندی، اصطلاحی است که در سال‌های اخیر در ادبیات حقوقی - سیاسی کشورمان رواج یافته و در محافل دانشگاهی و میان صاحبان فکر، قلم و اندیشه رونق پیدا کرده، مسائلی از قبیل تعریف شهروندی، تعریف شهروند و پیامدهای شهروندی مطرح شده است.

محققان با توجه به تخصص مربوط، مقوله حقوق شهروندی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. رویکردهای اولیه در بازخوانی محتوای چنین مفهومی هویت خویش را در تعلق ظاهری به جامعه شناسی و سیاست - به ویژه فلسفه سیاسی - باز می‌یابد. در جامعه شناسی، شهروندی به «عضویت کامل فرد در اجتماع» تعریف شده که هویت جمعی افراد با تکیه بر رکن‌های عینی سازنده دولت - یعنی زبان، نژاد، دین، تاریخ و گذشته مشترک - مهم‌ترین مؤلفه آن انگاشته می‌شود. نگاه سیاسی به مفهوم شهروندی نیز پیرو نظریه غالب در تعریف حاکمیت و توصیف ابعاد آن است و از آنجا که چنین نگاهی نیز پیرو نوسان‌های موجود در نظریه‌های حاکم خواهد بود، به خوبی می‌توان چشم اندازی از پراکندگی را در آن مشاهده کرد (شریعت پناهی، ۱۳۸۲: ۶۲).

در کنار این رویکردها، بررسی مبانی حقوق شهروندی در مدیریت پلیسی و و تبیین آن در منابع اسلامی از جمله قرآن کریم و نهج البلاغه نیز در جای خود اهمیت دارد که در این مقاله مورد کاوش و تحقیق قرار گرفته است. در این راستا نویسندگان این مقاله در پی پاسخ به این سؤال هستند:

فلسفه حقوق شهروندی در مدیریت پلیسی چیست؟

تاریخچه حقوق شهروندی در غرب به چه صورت است؟

حقوق شهروندی در اسلام چه جایگاهی دارد؟

تاریخچه حقوق شهروندی در ایران چگونه است؟

## مفهوم حقوق شهروندی

کلمه «شهروند» از نظر لغوی در فرهنگ های عمومی مثل فرهنگ معین، عمید و... تعریف نشده است؛ لیکن در فرهنگ های دو زبانه مثل حییم و آریان پور، شهروند<sup>۱</sup> به معانی بومی، شهری، اهل شهر، تابع، رعیت، شهرنشینی که از خدمت لشکری و شهربانی آزاد باشد، تعریف شده است. در فرهنگ معاصر فارسی به فارسی یک جلدی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور به شمار می آید و از حقوق متعلق به آن برخوردار می شود. در فرهنگ علوم سیاسی، شهروند چنین تعریف شده است: «کسی که از حقوق مدنی یا امتیازات مندرج در قانون اساسی یک کشور برخوردار است» (رضایی پور، ۱۳۸۵: ۹). شهروند از واژه لاتینی سیویتلس<sup>۲</sup> مشتق است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه پولیس<sup>۳</sup> در زبان یونانی است. پولیس یا شهر، تنها مجتمعی از ساکنان نیست؛ بلکه واحدهای سیاسی و مستقل به شمار می آید. شهروند کسی است که به آن واحد سیاسی تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره امور عمومی در محدوده شهر داراست (پلبو، ۱۳۷۰: ۱)؛ لذا از نظر لغوی، شهروند به معنای کسی است که اهل یک شهر یا کشور بوده و از حقوق موجود به آن برخوردار می باشد.

از نظر اصطلاحی، مفهوم شهروندی به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی (معمول یا مدرن) تلقی می شود که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از

1) citizen

2) civitas

3) polis



حقوق و قدرت فراهم می کند این حقوق عبارتست از:  
حقوق مدنی شامل آزادی بیان و برابری در مقابل قانون؛  
حقوق سیاسی، شامل حق رأی و ایجاد تشکل سیاسی و صنفی؛  
حقوق اقتصادی در برگیرنده رفاه اقتصادی (به وسیله تولید، بازرگانی، کشاورزی و مصرف)  
و تأمین اجتماعی است که برای نخستین بار در سال ۱۹۴۹ م. به وسیله «T.H.Marshel» (۱۹۸۲-  
۱۸۷۳ م.) در لندن، طی رساله ای با عنوان «شهروندی و طبقه اجتماعی» تبیین گردیده است  
(پژوهنده، ۱۳۷۶: ۱۷۲)؛ بنابراین می توان گفت حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی،  
سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی که یک شهروند به واسطه زندگی در قلمرو جغرافیایی خاص  
و با وجود رابطه ای میان او و دولت حاکم از آن برخوردار می شود.

### رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر

با توجه به بررسی های گوناگون، در خصوص شهروند دو معنای کلی استنباط می شود:  
نخست شهروند به معنای بشر و نوع انسان که مصادیق آن شامل تمامی انسان ها از هر  
جنس و نژاد و رنگ و کشور و دین و مذهب و ... می باشد، و دیگر شهروند به معنای انسان  
های ساکن و مقیم در یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت-کشور  
و تحت قدرت آن دولت-کشور هستند (شریعت پناهی، ۱۳۸۲: ۵۹).

برخی با تقسیم حقوق شهروندی به مضیق و موسع قائل گردیده اند که رابطه حقوق  
شهروندی به معنای مضیق با حقوق بشر، تباین (حقوق بشر جدای از حقوق شهروندی) و  
در معنای موسع، تساوی (حقوق بشر مساوی حقوق شهروندی) است؛ زیرا در حالت اول،  
حقوق شهروندی محدود به قلمرو سرزمین است و جنبه جهان شمول ندارد و در حالت  
دوم، نگاهی مشابه نگاه حقوق بشر مبتنی بر حقوق انسانی دارد (قربانزاده، ۱۳۸۵: ۲۹).

در واقع می توان گفت انسان «بماهو» انسان صرف نظر از مواردی چون تابعیت و ملیت،  
دارای حقوقی از قبیل حق حیات می باشد و برای همه انسان ها در زمان ها و مکان های  
مختلف یکی است و محدود به قلمرو خاصی نیست که از آن تحت عنوان حقوق بشر یاد

می شود؛ در حالی که حقوق شهروندی رابطه مستقیمی با مقوله هایی نظیر تابعیت و ملیت شهروندان دارد؛ بنابراین نتیجه می گیریم در حقوق بشر، انسان صرفاً دارای حقوقی است در حالیکه در حقوق شهروندی دو موضوع حق و تکلیف با هم مطرح می شود؛ به عبارت ساده تر در حقوق در حالی که بشر رابطه یک طرفه حق، و در حقوق شهروندی رابطه دوطرفه حق-تکلیف مطرح است.

### مبانی نظری حقوق شهروندی

می توان بین سه سنت نظری مربوط به شهروندی تفکیک قائل شد. اولین سنت، نظریه تی.اچ. مارشال (T.H.Marshall) است؛ در واقع، معروف ترین نظریه شهروندی از سوی او مطرح شده است. در نظریه مارشال، سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی با یکدیگر مرتبط می باشند. او سه دسته عنصر حقوق شهروندی را از یکدیگر متمایز می کند که با گذشت زمان توسعه یافته اند: حقوق و در مقابل تعهدهای سازمانی (مثل حق رأی)، حقوق آزادی مدنی (که از جانب دادگاه ها محافظت می شوند) و حقوق مشارکت و تأمین عدالت اجتماعی که در مرکز توجه دولت رفاه قرار گرفته اند. (Marshall, 1997: 29)؛ دومین سنت، رهیافت دورکیم/توکویل (Durkheim/De Tocqueville) در فرهنگ مدنی است که بحث «فضیلت مدنی» را سرلوحه کار خود قرار می دهد. این سنت در جمهوری فرانسه نمود قابل توجهی به خود می گیرد و به «سنت جمهوری شهروندی» مشهور شده است. هر دو دیدگاه مذکور با عنوان های «نولیبرالی» و «نوفضیلت گرایی» تداوم یافته اند. آخرین سنت نظری شهروندی، مفاهیم جدیدی چون مردم سالاری، جنبش های اجتماعی، جامعه مدنی، ارتباط مردم سالارانه و کنش ارتباطی را مورد توجه قرار می دهد. این رهیافت جدید، با توجه به تلاش صاحب نظرانی همچون ترنر (Turner) و هیتر (Heater) که مباحث شهروندی فرهنگی و شهروندی اجتماعی را مطرح کرده اند، در این مقوله تعریف می شود. باید اذعان کرد که رهیافت سوم بر اساس انتقادهای وارد به شهروندی دولت، محور مارشال و فضیلت مدنی جامعه محور دورکیم شکل گرفته است (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲).

## تاریخچه حقوق شهروندی

## ۱- حقوق شهروندی در غرب

مفهوم حقوق شهروندی، همانند خیلی از مفاهیم دیگر علوم اجتماعی، ریشه در یونان باستان دارد. ارسطو اولین کسی بود که در شکل‌گیری نظریه شهروندی تلاش نمود؛ این در حالی است که اولین نمود سازمانی و رسمی آن در قرن‌های ۴ و ۵ میلادی در شهرهای یونان باستان پویژه آتن دیده می‌شود؛ با این تفاوت که آیین شهروندی یونان از نظر شکل و عملکرد با آیین شهروندی دوره پیشرفته متفاوت است؛ پس علمای تاریخ علم شهروندی برای تأکید بیشتر بر تغییرات معنایی واژه شهروندی دوره ای، رشد این مفهوم را به مراحل مختلف از منشأ اصلی آن یعنی جهان باستان تا دوره جدید آن تفکیک می‌کنند. برای درک بهتر تاریخچه حقوق شهروندی، این موضوع را در سه دوره به شرح ذیل بررسی می‌نماییم:

## الف: حقوق شهروندی در دوران یونان باستان:

بنابر شواهد تاریخی، در یونان قدیم که نظام سیاسی در قالب دولت-شهر وجود داشت طبقه ای از انسان‌ها نسبت به دیگران ممتاز و دارای حقوق ویژه ای بودند. این طبقه که شهروند (citizen) نامیده می‌شوند، مردانی بودند که حداقل ۲۱ سال داشتند و از پدر و مادر آتنی زاده شده بودند و کارگر زیردست نبودند؛ بنابراین نزدیک به ۱۱۵۰۰۰ نفر بوده، ۲۸۵۰۰ نفر خارجی مقیم، زنان و کودکان و نوجوانان و همچنین پیشه‌وران، شهروند تلقی نمی‌شدند. مزایای قانونی چون حق تساوی در برابر قانون، حق مالکیت، حق قضاوت و آزادی بیان، به مردان آزاد که تعدادشان یک هفتم جمعیت کشور بود، اختصاص داشت (موسوی، ۱۳۸۰: ۶۶). بر اساس شهروندی آتنی، زنان، کودکان و نیز اسیران و بردگان توأم با محرومیت از حقوق شهروندی، به حوزه حقوق خصوصی تعلق داشتند. این محرومیت به دو دلیل بود: نخست آنکه این افراد توانایی دفاع از دولت را ندارند یا قابل اعتماد نیستند، و دوم آنکه فاقد شعور عقلانی لازم برای ابراز وفاداری به

ارزش های دولت هستند؛ از این رو، نمایندگان ناامنی در درون دولت-شهرها به شمار می آیند (کاستلز، استفان و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

از نظر ارسطو شهروند به این دلیل که در مکان معینی زندگی می کند شهروند نیست؛ چون در آن صورت اجنبی های مقیم یک شهر، یابندگانی که در همان محل اقامت خدایگان خود مقیم هستند همگی می بایست که شهروندان را در محاکم قضایی تعقیب کنند یا اینکه خود به وسیله آنان مورد تعقیب قرار گیرند، نمی توان شهروند به حساب آورد. در مورد کودکان خردسال که نامشان در طومار شهروندی ثبت نشده است یا در مورد سالخوردگانی که به علت کبر سن، از انجام وظایف شهروندی معاف شده اند به همین روش عمل می کنیم. در مورد این دو دسته همین طور ساده و بی قید نمی گوئیم که اینان شهروندان شهر یا مملکت اند؛ بلکه دسته اول را شهروند نابالغ و دسته دوم را به عنوان شهروندانی که سن خدمتشان گذشته است یاد می کنیم (طاهری، ۱۳۷۵: ۷۱).

به طور کلی می توان گفت خصیصه شهروندی، بارزترین امتیاز و ویژگی شهر در تمدن آتنی و رومی و بخصوص در تمدن باستانی یونان بوده است.

### ب: حقوق شهروندی در دوران پس از رنسانس:

با وجود تلاش فیلسوفان و دانشمندان یونان و روم در گذر زمان و در دوران قرون وسطا، حقوق شهروندی در اثر تحولات بعدی به فراموشی سپرده شد و بحث حقوق شهروندی با دوره رنسانس در اروپا شروع شد.

در قرون هجدهم و نوزدهم، فیلسوفان آلمانی مانند هگل و مارکس هر کدام از دریچه ویژه ای موضوع حقوق شهروندی را مورد بحث قرار دادند. در اندیشه سیاسی اجتماعی مدرن که هاتچینگر آن را بررسی کرده است مؤلفه های شهروندی با صورت بندی متفاوت از آنچه که در یونان باستان مطرح شده، آمده است؛ بویژه در نظریه سیاسی «قرارداد اجتماعی» جان لاک و ژان ژاک روسو و نظریه سیاسی «انسان، شهروند، تبعه» امانوئل کانت. به نظر

هگل حقوق شهروندی جزء لاینفک حقوق مدنی و از لوازم توسعه جامعه مدنی است. مارکس موضوع حقوق شهروندی را صرفاً دستاویزی بورژوازی دانسته و تحقق واقعی آن را مشروط به زوال کامل نظام نابرابری طبقاتی پیش بینی نمود (موسوی، ۱۳۸۰: ۷۲).

نظریه حقوق فطری در قرون هفدهم و هجدهم با ستایش فرد و حقوق و آزادی های او همراه است؛ ولی در نوشته های دانایان معاصر، هدف، حفظ منافع عمومی است؛ هدف اصلی آسایش انسان است؛ ولی چون فرد دور از اجتماع نمی تواند زندگی کند هر چه اجتماع منظم تر باشد آسایش او فراهم تر است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۹۴).

### ج: حقوق شهروندی در دوران مدرن

موضوع حقوق شهروندی در دوران نو نیز دچار تحولات نظری و کاربردی متعددی گردید؛ از جمله: استفاده از دیدگاه حقوق شهروندی به یکی از مضامین مهم حقوق اجتماعی ساکنان در شهر تبدیل شده است؛ یعنی شهروندی، جزئی از حقوق اجتماعی و مدنی هر شخص محسوب می شود که در قبال اطاعت و رعایت قوانین و تعهدهای عمومی و اجتماعی، سازمان ها و دستگاه های عمومی را به حمایت از خود وامی دارد. در مفهوم مدرن شهروندی، میان جامعه (geselscholt) و اجتماع (gemeinschaft) می توان تفکیک قائل شد. در اجتماع ارتباط میان شهروندان بر اساس روابط خانوادگی و خون تعریف می شود و آنچه افراد را گرد هم می آورند مفاهیمی از قبیل: همسایگی و مانند آن می باشد؛ در حالی که جامعه، مرکب از افرادی است که اجتماعشان آگاهانه و از روی اختیار است. پایه های اساسی اجتماع را خانواده (ارتباط خونی)، ده (ارتباط همسایگی) و جامعه روحانی (ارتباط مذهبی) تشکیل می دهد (ایوبی، ۱۳۷۹: ۸۹).

ظهور لیبرالیسم در قرن نوزدهم مفهوم شهروندی را از ارزش تعاونی و برادری آن به اختلاف منافع متحول کرد؛ یعنی رابطه میان مفهوم شهروندی و مصلحت عمومی را از هم گسست و شهروندان به عنوان افرادی تلقی می شدند که در حقوق سیاسی و مدنی با هم برابرند و شهروندی به مفهوم برخورداری از حقوق عمده ای چون آزادی بیان، برابری در نزد قانون، حق اجتماع و... بدون توجه به وضع طبقاتی، جنسی، نژادی و... مفهوم رایج شهروندی بود. طبق این دیدگاه،



لیبرال‌ها، مخالف دخالت دولت در امور زندگی شهروند و اجتماع بودند (موسوی، ۱۳۸۰: ۶۷). در قرن بیستم لیبرال‌ها متعقد بودند که دولت برای از بین بردن تبعیضات، بی‌عدالتی‌ها و نابرابری ناشی از آزادی‌ها، نقش فعالی را بر عهده بگیرد و وسایل و امکانات لازم را در اختیار گروه‌های اجتماعی قرار دهد و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمد و مستلزم دخالت فعال دولت در آنهاست (همان: ۶۸).

در اواخر قرن بیست و یکم سوسیال‌دموکرات‌ها مفهوم حقوق اجتماعی را گسترش بیشتری داده و منظور از حقوق اجتماعی، برخورداری از خدمات اجتماعی، بهداشتی، آموزشی، تأمین رفاه اجتماعی است (همان: ۷۰).

## ۲- حقوق شهروندی در اسلام

**الف: قرآن کریم:** کامل‌ترین منبع در خصوص حقوق شهروندی، قرآن مجید است. خداوند متعال در سراسر آیات این کتاب بر کرامت انسانی و لزوم توجه به آن تأکید نموده به نحوی که از انسان به عنوان اشرف مخلوقات یاد نموده است. در خصوص اهمیت کرامت و جایگاه انسان خداوند در آیات ذیل می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا فِي الْبُرُوجِ وَزَوَّجْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (الاسراء: ۷۰)؛ و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (الحجرات: ۱۳)؛ ای انسان‌ها ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را در قالب ملت‌ها و قبایل مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بازشناسید» یا «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (البقره: ۳۰)؛ [به خاطر بیاور] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی (= نماینده‌ای) قرار خواهم داد». فرشتگان گفتند: «(پروردگارا!) آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خون‌ریزی کند؟! (زیرا موجودات زمینی دیگر، که قبل از این آدم وجود

داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شدند اگر هدف از آفرینش این انسان، عبادت است) ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم، و تو را تقدیس می کنیم». پروردگار فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید».

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (البقره: ۳۴)؛ و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سرباز زد، و تکبر ورزید، و (به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.

مطابق آیات ذیل، حق شهروندان در برخورداری از امنیت جانی، مالی و ... مورد تأکید قرآن می باشد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (النور: ۲۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید.

«فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (النور: ۲۸)؛ و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر گفته شد: «باز گردید!» باز گردید؛ این برای شما پاکیزه تر است؛ و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است. در باب دادخواهی و توجه به رعایت عدالت نیز در قرآن مجید به آیه های ذیل اشاره شده است: «الْقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَيَعْلَمُ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (الحديد: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آنکه او را ببیند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (المائدة: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و

ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک تر است و از (معصیت) خدا

پرهیزید، که خداوند از آنچه انجام می دهید، باخبر است.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَذَكَّرُونَ» (التحل: ۹۰)؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد؛ و از

فحشا و منکر و ستم، نهی می کند؛ خداوند به شما اندرز می دهد، شاید متذکر شوید.

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ

الَّذِينَ يُضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (الصاد: ۲۶)؛ ای داوود! ما تو را

خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم به حق داوری کن، و از

هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد؛ کسانی که از راه خدا گمراه

شوند، عذاب شدیدی بخاطر فراموش کردن روز حساب دارند.

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» (النساء: ۱۴۸)؛ خدا دوست

ندارد کسی که با سخنان خود، بدی ها (ی دیگران) را اظهار کند؛ مگر آن کس که مورد

ستم واقع شده باشد؛ خدا، شنوا و داناست.

«فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ زُءُوسٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تَظْلَمُونَ» (البقره:

۲۷۹)؛ اگر (چنین) نمی کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد. و اگر توبه

کنید، سرمایه های شما، از آن شماست [= اصل سرمایه، بدون سود]؛ نه ستم می کنید و نه

بر شما ستم وارد می شود.

**ب: نهج البلاغه:** در نهج البلاغه مفاهیم مختلفی در جاهای گوناگون از جمله در خطبه ها به

کار برده شده اند که ناظر به مفهوم حقوق شهروندی در جامعه اسلامی است. بعضی از این

مفاهیم در هر جا که به کار برده شده اند، منظور حضرت از آنها، «شهروندان» بوده است؛ از

جمله: مفهوم «الرّعیه» و کلمات هم خانواده با آن و بعضی از این مفاهیم در برخی جاهایی

که به کار رفته اند در معنای «شهروند و شهروندی» و در بعضی جاها به معنای دیگر و عام

تری به کار رفته اند؛ مانند واژه های «النّاس» و «الأهل» و هم خانواده های آنها.

بیشتر مواردی که در نهج البلاغه از واژه «الرّعیه» و سایر مشتقات آن استفاده شده، شامل

توصیه های آن حضرت به کارگزاران حکومت درباره رعایت حقوق شهروندی مردم در جامعه اسلامی می باشد. این توصیه ها با توجه به موقعیت مکانی و زمانی، متغیر و متنوع است. سایر موارد استفاده از این واژه نیز شامل مواردی از قبیل شرح حقوق متقابل رهبر و مردم و رعایت حق در جامعه و ثمره های این مسئله می باشد و در جایی نیز از رعیت به عنوان فرمانبرداران حکومت یاد شده است.

بخشی از فرمایش های مولا علی (ع) در خصوص توجه به حقوق شهروندی به شرح ذیل می باشد: یکی از نامه هایی که در آن، حضرت علی (ع) به محبت و رحمت بر مردم جامعه و همچنین برابری و برادری آنان تأکید دارد نامه شماره ۵۳ می باشد که این نامه فرمان مبارک امیرالمؤمنین (ع) به «مالک اشتر نخعی» می باشد در زمانی که او را والی مصر و اطراف آن ساخت. آن حضرت در قسمتی از این نامه می فرماید:

«مالک! رحمت و محبت و لطف بر مردم جامعه را به قلبت بفهمان، (به طوری که آن را دریافت کند، نه اینکه در حد یک تصور ذهنی باقی بماند) و برای آنان درنده ای خونخوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری؛ زیرا مردم بر دو صنف اند: یا برادر دینی تو هستند، یا نظیر تو در خلقت (همنوع تو می باشند)».

در قسمتی دیگر از نامه ۵۳، حضرت می فرماید:

«و هر کس از نزدیکان و یا بیگانگان که به سبب حقی ملزم شود، او را به همان حق ملزم کن (حق را درباره او اجرا کن) و در انجام این تکلیف بردبار باش و تقرب به خدا را منظور مدار. هر وضعی که اجرای حق درباره خویشان و خواصت پیش بیاورد، مانع اقدام تو برای اجرای حق نباشد، و تو عاقبت احقاق حقی را اگر چه سنگین است در نظر بگیر؛ زیرا نتیجه و پایان آن پسندیده است».

حضرت در نامه ۷۰ درباره کسانی از اهل مدینه که به معاویه ملحق شده بودند سخن به میان آورده است. در قسمتی از این نامه در خصوص تساوی انسان ها در برابر حق و رعایت آن می فرماید:

«بس است برای اثبات گمراهی آنان و شفای دل تو از آزاری که به تو می دادند، گریختن

شان از هدایت و حق و شتافتن آنان به کوری و نادانی. و جز این نیست که آن نابخردان، اهل دنیا هستند و روی به آن دارند و آن نابکاران، عدالت را شناختند و آن را دیدند و شنیدند و با گوش پذیرفتند، و فهمیدند که مردم در نزد ما از نظر حق مساوی هستند؛ پس به طمع سودجویی بیشتر از دیگران به سوی همجنس خود گریختند؛ دور شوند از رحمت خدا و محو شوند!»

حضرت در نامه ۳۱ راجع به کرامت ذاتی نفس انسان می فرماید:

«کرامت نفس خود را از هرگونه پستی ها بالاتر بدار، اگرچه تو را به آنچه که میل داری برساند؛ زیرا تو در برابر آنچه که از شرف نفس خود از دست می دهی، عوض نخواهی گرفت. و هرگز بنده دیگرش مباش؛ در حالی که خدا تو را آزاد آفریده است. و چیست نیکویی یک خیر در صورتی که بدون شر به دست نخواهد آمد و چیست ارزش آن آسانی که بدون دشواری قابل وصول نیست».

حضرت علی (ع) در خطبه ۳۴ در خصوص خیرخواهی برای مردم و رعایت برابری می فرماید: «ای مردم، حقی من بر شما دارم و حقی شما بر من دارید؛ اما حق شما بر من: خیرخواهی درباره شما و تنظیم و فراوان نمودن بیت المال برای تهیه معیشت سالم برای شما. و تصدی بر تعلیم شما که از جهل نجات پیدا کنید و تأدیب شما که علم (همه سطوح شخصیت) شما را بسازد؛ و اما حق من بر شما: وفا به بیعتی است که با من کرده اید و خیرخواهی در حضور و غیاب و پاسخ مثبت در آن هنگام که شما را بخوانم و اطاعت از من موقعی که به شما دستوری بدهم».

### ۳- حقوق شهروندی در ایران

**الف: ایران باستان:** ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته اند. منشور صادر شده از سوی کوروش، پادشاه هخامنشی، بسیاری از مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. منع برده داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی (در حمله به بابل)، تساوی

افراد در برابر قانون و ... در اسناد به دست آمده از تخت جمشید قابل مشاهده است.

**ب: تاریخ معاصر:** در تاریخ معاصر ایران چندان نمی توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام شاهنشاهی و پادشاهی حاکم بر ایران چندان توجهی به آراء و حقوق مردم نمی نموده است. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم در ایران اتفاق افتاده است.

با این وجود، یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر اعلام شده است که در آن به رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است؛ «در این وقت از قرار شکایاتی که مقرون سمع همایونی افتاد، حکام ولایات، مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می شوند و خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده به شکنجه می گذارده اند. چنین حرکتی منافی مروّت و احکام شرع و خلاف رأی اقدس شهریاری است؛ بنابراین قدغن می فرماییم که به هیچ وجه متهمان را به شکنجه نگذارند. پس از آنکه تقصیر متهمان، ثابت و محقق گردید به اندازه تقصیرشان گرفتار همان سزای شرعی و عرفی می گردند. حکام ولایات مزبور به هیچ وجه کسی را به شکنجه و آسیب نرسانند و مراقب باشند که اگر احدی مرتکب چنین عملی گردد مورد مؤاخذه و سیاست خواهد شد، می بایست حسابال مقرر معمول داشته، تخلف و تجاوز از مدلول حکم قضا شمول نمایند (۲۵ ربیع الاول ۱۳۶۶ ه.ق)». همان گونه که مشاهده می شود در این فرمان، شکنجه و هرگونه اقدام ترذیلی دیگر علیه متهمان ممنوع دانسته شده و حکام از تعدی به حقوق رعایا بر حذر داشته شده است؛ اما این قانون و امثال آن در مسیر اجرا چندان پایدار نماندند؛ چرا که معمولاً وابستگی ها و روابط بر ضوابط و قواعد برتری می یافتند.

عدم رعایت این قوانین در طول سال های حکومت خاندان پهلوی در ایران بسط یافت و در تمام شئون حقوق مردم نفی و مورد انکار قرار گرفت. وجود شکنجه گاه های

مخوف و دادگاه های بیدادگر، از بارزترین مصادیق نقض حقوق شهروندی در این دوران است. خاطره های مبارزان پیش از انقلاب گواه این مدعاست.

**ج: پس از انقلاب اسلامی:** با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرعی، منع شکنجه، تشکیل دادگاه های عادل و روند منصفانه دادرسی ها از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضائی و جزائی در ایران بوده است.

فرمان هشت ماده ای حضرت امام خمینی(ره) با ذکر مواردی از قبیل منع شکنجه، رعایت عدالت قضائی و ... یکی از اسناد قابل توجه در زمینه حقوق شهروندی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی از قبیل اصول زیر بر لزوم برابری همه شهروندان در مقابل قانون، منع شکنجه و ... تأکید نموده است:

اصل سوم قانون اساسی که در آن وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف مورد نظر اسلامی ترسیم شده است در بردارنده حقوق شهروندی در تمامی زمینه هاست و شامل آزادی های سیاسی، اجتماعی، مشارکت در تعیین سرنوشت و ایجاد امنیت قضائی و تأمین حقوق همه افراد اعم از زن، مرد و تساوی عمومی در برابر قانون و استفاده از آموزش رایگان می باشد.

اصل نوزدهم - مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم - همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. اصل بیست و دوم - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و پنجم - بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابره های تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل چهلم - هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

در قوانین عادی علاوه بر قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانونگذار در تاریخ ۸۳/۲/۱۵ ماده واحده ای را تحت عنوان «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب رساند که به طور مشخص به رعایت حقوق شهروندی اصحاب دعوی توسط محاکم قضائی و ضابطان دادگستری توجه شده است.

### فلسفه حقوق شهروندی شهروندان

با توجه به مبانی نظری ذکر شده پیرامون موضوع حقوق شهروندی به مواردی از فلسفه حقوق شهروندی با رویکرد منابع دینی می پردازیم:

#### ۱- احقاق حقوق شهروندان:

می توان گفت یکی از دلایل و فلسفه وجودی مقوله حقوق شهروندی، احقاق حقوق مردم است. اصولاً تا زمانی که حقوق مردم در جامعه به عنوان اساسی ترین موضوع زندگی بشریت مورد توجه قرار نگیرد سخن از عدالت موضوعی بی معناست. از آنجایی که موضوع حقوق شهروندی معمولاً در ارتباط با قدرت حکومت و مسئولان مربوط ممکن است مورد تعرض قرار گیرد؛ پس با این نگاه به موضوع می پردازیم.

بررسی اسناد موجود نشان می دهد پیشوایان معصوم در جامعه اسلامی، حاکم را «پدری مهربان»، «برادر» و «معلم»، «ولی» و «والی»، «حافظ» و «راعی»، «نگهبان حقوق و امنیت مردم» و «امام» می شمردند. رسول خدا و امیر مؤمنان (ع)، بنی امیه را به خاطر آنکه مردم را به چشم «بردگان» و حتی «حیوانات و گیاهان» که برای راحتی و منفعت آنان به عنوان ارباب و صاحب اختیار آفریده شده اند سرزنش می کردند (مجلسی، ۳۹۸/۲۲) و دست اندازی آنان را به خاطر قدرت سیاسی بر نمی تافتند. پیامبر خلافت را بر ایشان حرام می دانست (همان، ۳۱۰/۴۴).

در اینجا به مصادیقی از چگونگی فلسفه حقوق شهروندی در سیره معصومان اشاره می نماییم. پیامبر گرامی اسلام به هنگام اعزام معاذ بن جبل به فرمانداری یمن در نامه ای به مردم به



صراحت نوشتند: «انی لم ابعث علیکم معاذاً ربا و انما بعثته اخا و معلما و منفذا لامرالله و مطیعا الذی علیه من الحق مما فعل»؛ «من معاذ» را به عنوان رب و صاحب اختیار شما نفرستادم، بلکه او را برادر و معلم و به منظور اجرای اوامر الهی و شخص مطیعی که در انجام امور مسئولیت دارد، فرستادم» (احمدی میانجی، بی تا: ۵۹۵).

یا در هنگام اعزام عمرو بن حزم به قبیله بنی الحارث، در نامه ای ضمن توصیه های گوناگون، از او خواست مردم را با حقوق و وظایفشان آشنا سازد، با آنان به نرمی رفتار کند و در برابر ظلم به دیگران شدت عمل به خرج دهد (ابن هشام: ۵۹۵).

رسول خدا (ص) به هنگام اعزام علاء بن حضرمی به بحرین، در نامه ای خطاب به مردم فرمود: «علاء بن حضرمی را به سوی شما اعزام کردم و به او امر کردم که از خدای یکتا پروا کند و شما را نیز به پیروی از او فراخواندم، اگر او این گونه رفتار کرد، به عدالت حکم راند و به عدالت تقسیم کرد و در برابر طلب رحمت دیگران رحم نمود، شما نیز به سخنانش گوش فرا دهید و پیروی اش کنید و به نیکی یاری اش دهید (احمدی میانجی، بی تا: ۶۱۹)».

از طرفی نبی مکرم اسلام در برابر متجاوزان به حقوق مردم عکس العمل نشان می داد. داستان سمره بن جندب و مزاحمت هایش برای یکی از مردم مدینه معروف است.

بدین صورت که یکی از اهالی مردم مدینه نزد حضرت آمد و از سمره شکایت کرد که بی خبر وارد منزل من می شود تا به درختی که در حیاط منزل من دارد، سرکشی کند و بدین وسیله مزاحم زن و فرزند من می شود. پیامبر از راه های مختلف برای راضی کردن سمره وارد شد، حتی در برابر صرف نظر کردن او از این درخت وعده درختی در بهشت به او داد. ولی راضی نشد و بر رفتار نادرست و مزاحمت خویش اصرار ورزید. در این مرحله حضرت به مرد انصاری که شاکی بود، فرمود: برو درختش را از ریشه بکن و به کوچه بینداز» سپس فرمود: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارًا فِی الْإِسْلَامِ» (عاملی: ۴۳۸).

اهمیت احقاق حقوق شهروندان و اوج توجه پیامبر به این مقوله تا آنجاست که حضرت در اواخر عمر شریفش با حال مریض از مردم خواست اگر حقی بر او دارند، بگویند

و استیفاء کنند، سواده بن قیس اظهار داشت که در بازگشت از یکی از سفرها تازیانه یا عصای حضرت به کتف او خورده، می خواهد قصاص کند. رسول خدا فرستاد تا تازیانه یا عصای او را از منزل بیاورند و خود را آماده قصاص نمود. حتی وقتی ادعا کرد که وقت اصابت کتفش برهنه بوده، پیامبر کتف خود را برهنه ساخت. سواده با مشاهده کتف مبارک حضرت بوسه ای بر آن زد و از قصاص گذشت (مجلسی، ۲۲/ ۵۰۸).

نمونه دیگری که در منابع اهل سنت نقل شده، آن است که روزی اسامه بن زید درباره زنی که دزدی کرده بود، شفاعت نمود. رسول خدا فرمود: آیا برای تعطیلی حکم خدا شفاعت می کنی؟ سپس برخاست و خطاب به مردم فرمود: «و ایم الله لو ان فاطمه بنت محمد سرقت، لقطع محمد یدها!»؛ به خدا سوگند اگر فاطمه دختر محمد هم دزدی کند، محمد دست او را قطع می کند (مسلم بن حجاج نیشابوری، ۶/ ۱۵۵).

به راستی در سیره کدام رهبر و رئیس دولتی می توان این مقدار دغدغه را نسبت به رعایت عدالت و مساوات میان مردم و دولتمردان مشاهده کرد؟!

در واقع فلسفه حکومت از دیدگاه ائمه معصومین، تأمین حقوق مردم و گرفتن حقوق ضعیفان از قدرتمندان است و از منظر فقهی اعطای ولایت جز به منظور احقاق حقوق مردم نبوده است.

## ۲- دوام و استمرار حکومت اسلامی:

امیرالمومنین (ع) در مقام لزوم رعایت حق حاکم و حق مردم در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می فرماید: «در آن هنگام که رعیت بر حاکم غالب شود، یا حاکم بر رعیت ظلم و تعدی روا دارد، کلمه جامع آن دو مختلف گردد و پراکندگی در جامعه نفوذ کند و علامت های ستم آشکار شود، فریبکاری در دین فراوان و طرق سنت ها رها گردد. در این موقع است که عمل بر طبق هوا و هوس صورت گیرد و احکام الهی متوقف شود و اختلالات و بیماریهای نفسانی رو به فزونی گذارد.»

امیر مؤمنان علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه با استناد به جمله ای از رسول خدا (ص) می فرماید: «هرگز امتی که در آن حق ضعیفان از زورمندان با صراحت و بی لکنت زبان ستانده نشود، روی سعادت نمی بیند.»

حضرت علی (ع) در قسمت دیگری از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می فرماید: «و باعظمت ترین حقوق الهی، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است. این حقی الزامی است که خداوند سبحان از هر یک از آن دو بر دیگری مقرر فرمود و آن را نظام تشکل و پیوند آنان و موجب عزت دینشان قرار داد».

امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه در فرمان مبارکش به مالک اشتر نخعی می فرماید: «هرگز مگو من به مقام فرماندهی نصب شده‌ام، فرمان می دهم و باید اطاعت شوم؛ زیرا این تلقین نابکارانه وارد کردن فساد در قلب است، و عامل سستی و تزلزل در دین، و نزدیک شدن به دگرگونی هاست» همان گونه که مشاهده می شود مفاد سیره معصومان حکایت از آن دارد در صورت عدم توجه حاکمان به حقوق شهروندی مردم، پراکندگی و اختلاف در مردم جامعه، ایجاد ستم، فریبکاری و سلیقه ای نمودن در احکام دین، انحطاط و دگرگونی حکومت و جامعه اسلامی را در پی خواهد داشت.

## پلیس و حقوق شهروندی

### الف: احترام پلیس به حقوق شهروندی:

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای (مدظله العالی) در خصوص خواسته و توقع مردم از پلیس می فرماید: «مردم می خواهند نیروی انتظامی... مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد». از مصادیق ادب و احترام، رعایت حرمت و احترام مردم از سوی مأموران پلیس است. این احترام به صورت های گوناگونی می تواند تجلی پیدا کند. مصادیق ابعاد و شاخص های این متغیر عبارتند از:

حفظ حرمت و حیثیت شهروندان، برخورد و رفتار خوب با شهروندان، صداقت داشتن پلیس در برخورد با شهروندان، پاسخ گو بودن پلیس به شهروندان، امانت داری پلیس نسبت به اظهارات شاکی، متهم و گواه، ترتیب اثر دادن به پیشنهادهای شهروندان، رعایت حقوق شهروندان در کشف و تعقیب جرائم، استانداردسازی رفتار پلیس، حفظ حریم خصوصی و عمومی شهروندان، پرهیز از خشونت رفتاری برخورد با شهروندان.

اصولاً شاخص های احترام پلیس به حقوق شهروندی را می توان به دو دسته «ایجابی» و «سلبی» تقسیم کرد. از جمله شاخص های ایجابی احترام پلیس به مردم می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- برخورداری از امنیت؛
- ۲- برخورداری از کرامت؛
- ۳- حق دسترسی به اطلاعات؛
- ۴- برخورداری از حق برابری؛
- ۵- حق دفاع از جان، مال و ناموس؛
- ۶- حق تظلم خواهی.

در مقابل شاخص های ایجابی، برخی از شاخص های سلبی (نشانه های بی احترامی) پلیس عبارتند از:

- ۱- بی اعتبار کردن: جای فرد پاسخ دادن، سخنان شخصی را قطع کردن، بی اعتنائی کردن، تمسخر کردن، گوش ندادن به سخنان فرد و تحقیر کردن؛
- ۲- ارباب: تهدید کردن، هراساندن، قلدری کردن و تشر زدن؛
- ۳- انتقاد کردن: عیب جویی، ملامت کردن، نفی کردن و غر زدن؛
- ۴- واپایش کردن: جلوگیری از تصمیم گیری مستقل فرد، تحکم کردن، سلطه گری و تحمیل عقاید، خواسته ها و نیازها؛
- ۵- قضاوت کردن: برانگیختن احساس گناه و شرمساری در فرد؛
- ۶- بد نام کردن: تهمت و افترا زدن، رسوا کردن و افشاگری کردن؛
- ۷- فریب دادن: دروغ گفتن، گمراه کردن و حقه زدن؛
- ۸- خیانت کردن: صادق نبودن، وفادار نبودن؛
- ۹- توهین کردن: گستاخی کردن، ناسزاگویی، رنجاندن؛
- ۱۰- سوء رفتار کردن: از لحاظ کلامی، احساسی و فیزیکی، صدمه زدن به حس امنیت و فردیت شخص، کتک زدن، فریاد کشیدن و فحاشی کردن؛

۱۱- هر نوع تغییر در لحن صدا: اشارات و تغییر در چهره که پیام آن چنین است: «من مهم تر از تو هستم» (جهانیان، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

### ب: وظایف پلیس در پرتو حقوق شهروندی:

مطابق قانون اساسی، قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده واحده قانونی احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و سایر قوانین مرتبط، وظایفی بر عهده نیروی انتظامی گذاشته شده است و لازم است مأموران پلیس در انجام تکالیف قانونی حقوق شهروندی را رعایت نمایند که برخی از اقدامات این مأموران در مقام ضابط دادگستری اشاره می شود:

#### ۱- قانون گرایی:

تردیدی نیست رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس از طریق توجه به مبانی شرعی و قانونی امکان پذیر است و جامعه انتظار دارد پلیس به عنوان مجری قانون، از اصول و موازین قانونی عدول ننماید؛ پس مأموران پلیس به هیچ وجه حق مداخله خود سرانه، توسیع و تضییق دایره جرائم و تفسیر قوانین کیفری را ندارند و صرفاً باید در چارچوب قانون انجام وظیفه نمایند (سید تاج الدینی، ۱۳۸۹: ۶۶)

#### ۲- برائت محوری:

یکی از اصول مسلم شرعی و قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل برائت است. قاعده «قیح عقاب بلابیان» و همچنین آیاتی از قبیل آیه ۱۵ سوره اسراء حاکی از توجه شرع مقدس به این اصل مهم است. از طرفی اهمیت این اصل در قوانین کشور نیز مورد تأکید قرار گرفته است. مطابق اصل ۳۸ این قانون «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود؛ مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». علاوه بر قانون اساسی، سایر قوانین نیز به این موضوع اشاره دارند. مطابق ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی

مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند» و مطابق بند دوم ماده واحده قانونی احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، «اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد».

دستگاه پلیسی هر کشور، که تکلیف کشف و تهیه عناصر تشکیل دهنده یک پرونده کیفری یا موضوع مستلزم تحقیق را بر عهده دارد، می تواند در پی ریزی یک پرونده اتهامی غیرقانونی و غیرمنصفانه نقش اساسی ایفا کند؛ به نحوی که حتی دستگاه قضائی به یک روند ناخواسته هدایت گردد؛ بنابراین آموزش دستگاه پلیسی و امنیتی یک کشور و التزام آنها به اصل برائت کیفری در ترویج و گسترش احساس امنیت افراد جامعه، فرهنگ قانون مداری و کاهش هزینه ها و کمیت پرونده های اتهامی در دستگاه قضائی بسیار حائز اهمیت است (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۷۵).

### ۳- حق مصونیت از رفتار غیرانسانی:

مطابق اصل ۳۸ قانون اساسی «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود». در مصوبه ای که در سال ۱۳۸۱ در اجرای اصل مذکور در مورد شکنجه از تصویب مجلس گذشت و البته با ایراداتی از سوی شورای نگهبان رو به رو شد مصادیق شکنجه - نقض حقوق شهروندی- به شرح زیر آمده بود:

هرگونه اذیت و آزار بدنی برای گرفتن اقرار و نظایر آن نگهداری زندانی به صورت انفرادی یا نگهداری بیش از یک نفر در سلول انفرادی، چشم بند زدن به زندانی در محیط زندان یا بازداشتگاه، بازجویی در شب، بی خوابی دادن به زندانی، انجام اقدام هایی که عرفاً اعمال فشار روانی بر زندانی تلقی می شود، استفاده از داروهای روان گردان و کم و زیاد کردن داروهای زندانیان مریض، فحاشی، به کار بردن کلمات رکیک، توهین و یا تحقیر زندانی در حین یا غیر

آن، نگهداری بیماران زندانی در محل های با سر و صدای آزار دهنده، محروم کردن بیماران زندانی از دستگیری به خدمات ضروری، گرسنگی یا تشنگی دادن به زندانی و عدم رعایت استانداردهای بهداشتی و محروم کردن زندانی از استفاده از امکانات مناسب بهداشتی، عدم طبقه بندی زندانیان و نگهداری جوانان یا زندانیان عادی در کنار زندانیان خطرناک، جلوگیری از هواخوری روزانه زندانیان، ممانعت از دسترسی به نشریه ها و کتاب های مجاز کشور، ممانعت از ملاقات هفتگی یا تماس زندانی با خانواده اش، فشار روانی به زندانی از طریق اعمال فشار به اعضای خانواده زندانی، ممانعت از ملاقات متهم با وکیل خود و ممانعت از انجام فرایض دینی (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۴۳).

به علاوه اهمیت منع رفتارهای غیرانسانی در مواد ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، ۴ قانون آیین دادرسی کیفری و بندهای ۶، ۷ و ۹ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز تأکید شده است.

یکی از وظایف تخصصی ضابطان دادگستری در فرایند کیفری، انجام بازجویی می باشد که علاوه بر موارد فوق لازم است موازین قانونی و شرعی ذیل نیز در این امر مهم رعایت شود:

- بازجو قانوناً ضابط دادگستری باشد (پرونده به او ارجاع شود-با نمایندگی قضائی، متصدی بازجویی شود)؛

- بازجو باید صلاحیت علمی و عملی در زمینه بازجویی را داشته، آموزش تخصصی را فرا گرفته و از تجارب کافی برخوردار باشد (موضوع بند ۱۱ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی)؛

- مأمور بازجو باید دارای خصوصیات اخلاقی و روانی لازم باشد تا در بازجویی توفیق یابد؛
- مفید و روشن بودن سؤال ها و خودداری از طرح سؤال هایی که به اتهام و دلایل مرتبط نمی باشد (موضوع بند ۱۱ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و مواد ۶۰ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری)؛

- ممنوعیت سؤال های تلقینی از متهم جهت القای اتهام به او، اگر سؤال های تلقینی باعث و



منشأ اقرار شود این اقرار نافذ نمی باشد (موضوع مواد ۶۰ و ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری)؛

- حفظ حرمت و حیثیت متهم در بازجویی؛

- نوشتن پاسخ سؤال ها بدون تغییر و تبدیل و تحریف (موضوع ماده ۱۹۹ قانون آیین

دادرسی کیفری)؛

- رعایت حق سکوت متهم (موضوع ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری)؛

- انجام بازجویی به صورت انفرادی (موضوع ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری)؛

- رعایت موازین شرعی در مورد متهمان زن و افراد نابالغ (موضوع ماده ۴۲ قانون آیین

دادرسی کیفری) (سید تاج الدینی، ۱۳۸۹: ۶۹ و ۷۱).

#### ۴- حق اطلاع از دلایل دستگیری و بازداشت:

حق آگاهی یا کسب اطلاع از علل و جهات دستگیری پیش شرط ضروری هر گونه دفاع محسوب می گردد؛ بنابراین مظنون یا متهم پیش از شروع تحقیقات، حق دارد بداند چرا و به کدام جرم متهم است. قوانین کشور ما حق آگاهی را در تمام مراحل رسیدگی محترم شمرده و رعایت آن را با عنوان تفهیم اتهام به مقامات انتظامی (ضابط دادگستری) و قضائی تکلیف نموده است (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۲).

مطابق اصل ۳۲ قانون اساسی «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد؛ مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال شود و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون، مجازات می شود». مفاد این اصل در مواد ۴۶ و ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر حق متهم از علت بازداشت و احضار و جلب پیش بینی شده است.

#### نتیجه گیری

حقوق شهروندی حقوقی است که شهروندان به لحاظ تعلق سیاسی تابعیت و ملیت از آن برخوردار می شوند و با حقوق بشر از این جهت همپوشانی دارد که ریشه حقوق



شهروندی را باید در حقوق بشر جستجو نمود؛ در واقع حقوق بشر مربوط به حقوق انسان صرف نظر از موقعیت زمانی و مکانی اوست؛ در حالی که حقوق شهروندی در قلمرو دولت ها قابل بحث است؛ پس در حقوق بشر رابطه یک طرفه حق و در حقوق شهروندی رابطه دو طرفه حق-تکلیف مطرح می شود.

سابقه تاریخی حاکی از آن است ریشه حقوق شهروندی در غرب را همانند سایر موضوعات علوم اجتماعی بایستی در یونان باستان جستجو نمود که سیر تحولات آن در غرب تاکنون شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی است. با این وجود جایگاه حقوق شهروندی از نظر قرآن کریم و ائمه معصومین در اداره جامعه اسلامی به مراتب دارای سابقه ای طولانی تر می باشد و تحت عنوان حقوق حاکم بر مردم و حقوق مردم بر حاکم مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در کشور ما نیز این شاخه از حقوق دچار تحولات زیادی شده است به طوری که در ایران باستان منشور کوروش یکی از اسنادی است که به این مقوله پرداخته است و در تاریخ معاصر نیز در زمان ناصرالدین شاه فرمانی صادر گردیده که مفاد آن حکایت از منع شکنجه و دادرسی ها بر طبق موازین شرعی است و پس از انقلاب نیز فرمان هشت ماده ای حضرت امام و رویکرد اسلامی به قانون اساسی و قوانین عادی و اخیراً نیز ماده واحده قانونی احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳ مدعایی است بر اینکه قانونگذار بر اهمیت حقوق شهروندی و تأکید بر رعایت آن توسط مسئولان حکومتی اهتمام ورزیده است.

این نگاه تاریخی به سیر تحولات حقوق شهروندی تاکنون به ما کمک می کند بتوانیم با درک بهتر و جامع تری فلسفه حقوق شهروندی را واکاوی نماییم؛ به طوری که می توان گفت هر جامعه ای که به حفظ و رعایت حقوق شهروندان توجه داشته است دارای سابقه درخشان و ارزشمندی است؛ کما اینکه چگونگی این موضوع را می توان در مدیریت ائمه هدی به روشنی دید. اگر پیامبر گرامی اسلامی در آخرین لحظات عمر شریف خود

تقاضای حلالیت می طلبد و سواده بن قیس درخواست قصاص می نماید و حضرت نیز با تمام وجود آمادگی خود را جهت اجرای قصاص اعلام می نماید به واقع نگاه والای ایشان را به حقوق مردم نشان می دهد. یا اگر حضرت علی(ع) در خصوص جایگاه حکومت می فرماید: «بی ارزش تر از آب بینی یک گوسفند است»؛ همگی نشان دهنده آن است که حکومت از لحاظ ظاهری از دیدگاه معصومین آن چنان ارزشی ندارد که به واسطه آن حقوق مردم را تضییع نمود؛ بلکه اساساً قبول خلافتی است که ریشه آن را حکم الهی می دانند؛ پس یکی از موارد فلسفه حقوق شهروندی، احقاق حقوق شهروندان و به تبع آن گسترش عدالت اسلامی است؛ دیگر آنکه یکی از مواردی که به دوام دولت ها و به تبع آن عملکرد مفید مدیریت در نیروی انتظامی کمک می کند، رعایت حقوق شهروندی است؛ زیرا اگر مدیران پلیس با تمام وجود، مقوله حقوق شهروندی را با آنچه که در مبانی اسلامی این موضوع گفته شد بپذیرند می توانند نقش مهمی را در نهادینه کردن آن در نیروهای تحت امر خود به خصوص کارکنان شاغل در رده های اجرایی ایفا نمایند. تاریخ نشان می دهد در جوامعی که به حقوق شهروندی مردم توجه ننموده اند عمر بسیاری نداشته اند؛ کما اینکه از دیدگاه حضرت علی(ع) توجه به حقوق شهروندی باعث عزت دین، استحکام پیوند دین و جامعه، دوام حکومت اسلامی در جامعه خواهد شد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن هشام ، السیره النبویه، جلد دوم.
- ۳- احمدی میانجی، علی، بی تا، مکاتیب الرسول، جلد دوم.
- ۴- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، نگهداری تحت نظر، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۵- ایوبی، حجت اله (۱۳۷۹)، بیداری و پایانی احزاب سیاسی در غرب، تهران: انتشارات سروش.
- ۶- پژوهنده، محمدحسین (۱۳۷۶)، «مدنیت و شهروندی»، فصلنامه اندیشه حوزه، سال سوم، شماره های ۲ و ۳.
- ۷- پلبو، روبیر (۱۳۷۰)، شهروندی و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- جهانیان، وحیدالدین (۱۳۹۳)، حقوق شهروندی در پرتو کشف جرم، چاپ اول، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان.
- ۹- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه، اول، قم: موسسه آل البيت عليهم السلام
- ۱۰- ربانی خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۶)، «مکاتب علمی و دیدگاه های نظری در باب حقوق شهروندی»، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، مرکز مطبوعات و انتشارات اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه.
- ۱۱- رجبی، ابراهیم (۱۳۸۸)، پلیس و حقوق شهروندی، تهران: مرکز تهیه و توزیع منابع آموزشی دانشگاهی (ناشر علوم پلیسی).
- ۱۲- رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵)، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران: انتشارات آریان.
- ۱۳- سید رضی محمد بن الحسین ، بی تا، نهج البلاغه.
- ۱۴- سید تاج الدینی، علی (۱۳۸۹)، حقوق شهروندی متهمان با رویکرد پیشگیری از

- ضرب و جرح، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- ۱۵- شاملو، باقر (۱۳۸۳)، «اصل برائت در نظام های نوین دادرسی، علوم جنایی» (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۶- شریعت پناهی، قاضی (۱۳۸۲)، «بایسته های حقوق اساسی»، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۷- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، «تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب»، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
- ۱۸- قربانزاده، حسین (۱۳۸۵)، «حفظ حقوق شهروندی در پرتو اصول حاکم بر دادرسی منصفانه»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، «مقدمه علم حقوق»، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۲۰- کاستلز، استفان و دیویدسون (۱۳۸۲)، «مهاجرت و شهروندی»، ترجمه فرامرز نقی لو، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۱- مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحارالانوار.
- ۲۲- موسوی، سید یعقوب (۱۳۸۰)، «تحول حقوق شهروندی به سوی تأمین انتظام شهری»، فصلنامه دانش انتظامی، سال سوم، شماره ۴، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.

23-Bron:Balancing Universalism and Diversity In (2001),Jennifer. 1Bryan Marshal,1997: and Ridden . Turner

24-MUNSTER,HAMBURG,CITIZENSHIP AND LEARNING, CIVIL SOCIETY (EDS), M. Schemann, A